

انورسادات وسانسور مطبوعات مصر

در صفحه ۸

كتبي

دوشنبه چهاردهم آبان ۱۳۵۸ هجری شمسی

شکست امام تنها شکست
دین نیست
شکست انقلاب توده هاست

در صفحه ۳

علی اصغر حاج سید جوادی

این صدای امریکا و اسرائیل و شاه است یا صدای برادر مسلمان؟

عضو است گفت از اجهت که رسان
اگر حقیقت گوید بهترین عضو بدن
ادم است و اگر به باطل گشود بود
بدترین است.
من خبیدام وقتی اقای حسین
می گویند قلم ها را می سکته
مقصودسان از این قلم ها کدام است؟
بقیه در صفحه ۲

بگوی آنچه دانی که حق گفته به
طبع بگسل و هرچه دانی بگوی
سعدي

و ان پنهان از زبان گوشنده برای او
غذا بساز و پنهان طعام از زبان گوشنده
طعم ساخت و روز دیگر به او گفت
اصغر از بدترین عضو بدن گوشنده
است که زبان هم بهترین هم بدترین
کسی از قلم او ناراضی می سود.
فلم های هستند که کاری جز قلب
حققت ندارند فصدسان راضی کردن
حاکم وقت است چه حاکم عالم باشد
و چه ظالم، گردد این قلم های نفع
حقیقت و واقعیت نیست بلکه به
مصلحت و منفعت صاحب قلم است.
و نه تنها قلم که زبان بیرون قلمرو
همین مسئولیت و یا مسئولیتی
قرار دارد بنابراین از داستان معروف
گویای یک واقعیت است که صاحب
به پنهان خود گفت امروز از بهترین
عضو گوشنده برای من غذانه کی
کی از قلم او خوش می اید و چه

این برادر مسلمان گیست که امروز مارا تکفیر می کند؟
ایما همان مردم ساده و نقش پذیر و عاطفی کوچه و بازار اند یا
نقش بازان حرفة ای سیاست که در کمال خونسردی با سلاح
مذهب تمام اصول اسلامی و اخلاق حسینی و علوی را به
سادگی فدای جاه طلبی خود می کنند؟

اما خبینی در یکی از سخنان
فرانسوی در سیان از ادی می گفت:
«من بار ای تو مخالف اما حاضر
خود کنند اند ایل سرینزه ها را
سکبی این قلم هاراهم می سکمی»
ما معنی داریم که وقتی قلم سکنه
سد سرینزه راست می سود و نظعاً
ایسنهام به چنین واعینی اعتقد اند
چرا که قران می فرماید والعلم و
فلمهای هستند که در زندگی بر حسب
ساقه جز حقیقت می گفته اند و جز
ما می طریون، حرمت قلم یک واقعیت
حقیقت نمی گویند و کسی که در راه
قرانی است و نیتوان بطور مطلق هر
قلم و هر صاحب قلمی را به سادگی
محکوه کرد روزگاری ولترفیلسف

قدم اول در راه حل مسأله کردستان

اسلام کاظمیه

برای دخالت عامل قدرت خارجی به
وجود اورند.

بزرگترین تجربه ای که در این
انقلاب به دست اورده مشاهده
تاییر عامل فرهنگی در پیج توده ها
و به میدان کشیدن آن را به تکلیف
سابقه ای بود که در مدنی جان اندک
بعض کفتر از یک سال و سمعت
و گفتی جان انبوب و موثر یافت که
عوامل خارجی و عوامل داخلی معتقد
به تجربیات توریک وایدلولوژیک
غیری را به ذنب خود کشید.

حال اگر این افرم هنوز پرقدرت
و موثر را که در دست داریم یا در راه
جهانی ها و قدرت طبلی های
شخصی و برای سرکوب و از میدان به
در کردن این را که برایم و یا در
حل مسائل و مشکلات دوران
سازندگی پس از انقلاب تاییر شایان

مuron ولات کردستان و لرستان کو هستان و چنگلستان در انجان مقدار حیزی
حاصل نمی شود که برخیز سکنه و متواتش و فا کند لاجرم بسته به مردم و لایات دیگر
طوابی اکراد اوقات به منفعت و ریاست بیگانه اند و بی شایه تکلف و غایله تصلف فی
نفس طایفه ای قاعده چنانچه اکثر عوام اناس ایشان اوقات به نان جاورس و اوزن
بیگانه اند و به طبل نان گندم و بهم رسانیدن مال و جاه در خانه اریاب دوی و اصحاب
اول نیز وند و لسلطین مطعم و خواصی گرام بیز طبع در الکا و لولایت ایشان کرده محظا
به پیشکش و اطاعت که بغار و سفر ایشان حاضر باشند راضی گشید مقدمه به تحریر شد
اند. واگر احیاناً بعضی از سلطین در فتح و تصرفی بلاد کردستان جو جهد تمام شده اند
زخت و بیشیت الملاکام کشیده اند. اخراج از نادم و پیشان شده باز به صاحب اند اند.
شرعاً که یکدیگر را دفع کشید و خانی

مطالعه ای گفت اتفاق ایران
و علل و عوامل اشکار و نهانی که در
شکل حرکت در خود کسی ان به
شدند وارابه اتفاق را به پیش
سرعنی شکفت اندیگی و سمعت و شدت
یافت تا به لحظه تغیر اتفاقیاری
راندند. با همان سرعت پراکنده
و گفی رسید کاری است دقیق و لازم
نیز وهانی در جهات مختلف و با تفاوت های
که در راه شکل دادن پیشافت های
گردید که یکدیگر را دفع کشید و خانی
پس از دوران پیروزی اولیه اگر

تجربیات اینی خود انقلاب را نادیده
انگاریم و به ان توجه نکیم با همان
سرعنی که نیزه های پراکنده بسیج
شدند وارابه اتفاق را به پیش
یافت تا به لحظه تغیر اتفاقیاری
راندند. با همان سرعت پراکنده
و گفی رسید کاری است دقیق و لازم
نیز وهانی در جهات مختلف و با تفاوت های
که در راه شکل دادن پیشافت های

مبایز رایوی داشجیوان و داش آموزان که از بیست و پنجم
آبان سال ۱۳۵۷ اولین بخورد جمعی خیابانی و خون الود شروع شده بود در
سیزدهم آبان سال بعد به اوج قدما کاری از یکسو و قساوت و بی رحمی از
سوی دیگر رسید.

همه دیدیم که جوانان داشجیوان و داش آموزان با دست های خالی و با
مشتهای گرده چکونه در برایر گیار مسلسلها مقاومت کردند و ذره ای از
حمله و کشته و مبتلایانه شکست خورد.
کشته و مبتلایانه شکست خورد. این که مادرانه ای خون را که تمام شرسته ای را از پس لحظه ای بیه و وحشت به
حربکن شخماشی علیه حکومت که با کشته و مبتلایانه شکست خورد. این که مادرانه ای خون را که تمام شرسته ای را از پس لحظه ای بیه و وحشت به

مشتهای گرده چکونه در برایر گیار مسلسلها مقاومت کردند و ذره ای از
حمله و کشته و مبتلایانه شکست خورد. این که مادرانه ای خون را که تمام شرسته ای را از پس لحظه ای بیه و وحشت به

چرا انتخابات سوراها شکست خورد؟

کافی برای فهماندن سورا و نقش اند به
مردم در انتخابات باشد تامد بارگشت
شرکت یکنند.

واقعیت اینست که مردم

همانطور که می دانیم این حرفها

بقیه در صفحه ۶

سیزدهم آبان

محمدقلی - محمدی

گهگاه از زبان اعضا مورث دولت و یا از افراد شورای انقلاب
مشنویم که باید بتویله افزود و از میزان مصرف کاست. به اعتقاد ما
در حینی که این تذکرها و اهانتان های بیان خود صحیح است اما
مادرانی که در پهار چوب و قاب طرحی تنظیم شده فرار نگرفته است به
تنها نقطه یک عقیده فردی است و تائیرش محدود. بلکه در صورت ایران
چنین نظرهایی از جانب افراد مختلف و با تفاوت هایی در بیان و درانگیزه
یابان ممکن است که حتی به گستگی بیشتر پهنه های اقتصادی
کیویزیز بینجامد.

در پهار چوب و قاب طرحی کلی برای انتخابات شوراها در رشت

میداند که به باید یکنند زیرا طرحی کلی برای انتخابات شوراها در رشت

بعضی مرکز استان ازشش هزار رای

تبازن نشود. اگر مابغراهیم این

مسئله را که یک واقعه اجتماعی

بسیار مهم درزینه روند انتخابی

می است با توجه به علت و روشی واقعی

آن بررسی نکمی ناجار به توجهی

خواهیم شد که نوع عمل دولت و

متاسفانه کشورمان پس از توفیق

بقیه در صفحه ۵

عدالت انقلابی ۰۰

و اذا حکتم بين الناس ان تعکروا بالعدل (قرآن کریم سوره النساء)

دولت موقت جمهوری اسلامی بدون در نظر گرفتن روابط خرس

ایران به حکم رهبر انقلاب برقرار

ویشگی بگروهی خاص مقصود

گردید در این حکم خطاب به رئیس

تشکیل دولت موقت مینمایم تا ترتیب

بقیه در صفحه ۴

کدام قلم را باید شکست؟...

تیکه از صفحه اول

شکست؟...

با این توضیع که مُشخص نگیرید این مسئله که در وضع کوتوله برخلاف فطرت و برخلاف طبیعت و وجود اختلال خطا و انتباہ را

برخلاف همه مقاعیین که از طواهر و
بواطن ایات و احکام منتهی مسافت
نمی‌شوند از اعمال و افکار خود
و داشته باشند در حال که در سوره

نه از سوی رهبر انقلاب که خود به
کرات اهل فلقر مأمور بپس از خود
مدد و نفع میبخشد و مضر مورد حکم
و زدایان افاقت و عوارض

رسانیدی به نفع فرست طبلان و
سبدان سیاسی حرفة ای و کسانی که
آنکو هدفی جز رسیدن به قدرت به
اعمال کارهای انسانی و توکل و مسنو
کی، آنها را خواهی بود.

هر قیمت نزارد بیووده م اورند و به
تسبیحه ای جز مهدوزین اهل فلسه
از ایند به خبر مهدوزین اهل فلسه
کسی که قلم را چرای حقیقت

کوشی و مبارزه با طلاق و نیادی و فrust طلبی نمی خواهد نمی رسد.
اعمال زشت خود شناسته است. در آینه
دیگری از همین سوره من خواهیم را
بنبران و وقتی قلم ها و زبانها را
آن دست استخراج الیهم و آفمو

بدون حجز و تعیین ایام موقت
و زیان از زاید و حق دفعه من کند و
کدام را در راه گرفتار خلی
قده بر می دارد سختنم راه را بای

سرنیزه و چاقو هموار می کشم، و ما درست اکون در این نظره قرار داریم، اکون بنام منصب و در زیر ساخته، که درست طبلان

حکایت فدری که مررت ضیل از
تیک به منصب برادر خود فراهم
اورده اند می بینیم که چونه به
دانشگاهها حمله می برند و با چاق و
ازادی هیبت و شعست انسانی و
جذب اصول اساسی روابط انسانی
و فلسفه آن برمنای ازادی اندیشه و

نامزا و نهتم بمحصول فعالیت
دانستگریان را در دوران پایه می
کند تا ناقص که رزیس همین میرزه
مقاتل شکارچو نهان می، گردید و اگر

رسول الى لیاغ انسان مشنو
اعمال و گدار چویش است و
بناراین ترتیب اسلامی و تربیت
اجرام هدف چون: احمد

و قشی چاقو زیان باز من کند و بر
معیط داشتگاهها سلطنه سلطنه شود فر
حقیقت اغذی راهی است که سرانجام
از به حکم سرتین سرمه می شود

زیر یک حکومت سرپوشیده انسانگردی را در
زیر جان لایک فلسفه انسانگردی در
یصد سال قبل می‌گوید: «از این‌جا
آن زم انجام آن است که زیر

فرمان میچ نیزی حاکم و قانون
گزاری نباشد مگر آنچه با توان
زرباط او برای شده است و نیز
زیر سلطه همیار اراده و نام میع

نیز سه مسخر روز و نیز مسخر شنبه
قانونکار به موجب وکالتی که از لو
بافت است بیان کرده باشد»

سلطه چاقو بر خیانتها و
داشگاهها را بخوبی خود کنند هست
سجاجت مردم برای مقاومت از ازامی
نیاز است. آنچه انتساب را بر اینکه میخواهد

سچات و هفت مردم در پیش از آن
از اهدی بوده و اکنون مادر راهی کامبوج
می‌باشد که این هشت و سچات را
دست آورده است و خود نادیده

در راه همه نزاهی بست خود سایر
من کنم.
ما اگر کون بچو اینکه فردی
گفت و شنود و برداشی و تحصل را

برای تهییم نزدیک در مردم بوجود آوردم آنها را در در تعب و خستگی هایی که پس از چند روز مانند درگیری با پیشگیر و مظالمی های سلطنتی تهمت شدند تکلیف می کردند

مطابقه با چهار و هشت و نهمین سوی
سی و هشتمین فرقه در صد و سی که با استفاده
از منصب و مشق و علاوه شدید مردم

به رهبری انقلاب و سرخورده‌گی آنها
از کسانی که بیان و تخفیفگری مبانش و
تحصیل خود را در حین خدمت هنرمندان
گذشتند، پندت قریب و حاکم

سیاسی پژوهی و تحلیلی برگزیده شوند و
نهادهای سیاسی و اقتصادی قدرت
را بصورت انحصاری برگزیده خود
آنچه از این مقالات را در اینجا

کلوزن گند در این صورت نه از لامپ
و جود خود را داشت و هر دیده و
در لامپ زمزمه شد و ژرژ لامپ
نمی بینید این اتفاق که در یک شب

هزار شور و مشروت هم
هزار شور و مشروت هم هزار
هزار شور و مشروت هم هزار
هزار شور و مشروت هم هزار

عدالت انقلابی ۰۰۰

بچه از صفحه اول

پیکر و دادگاه هم مامور بدهید این که حاکم دادگاه هم مامور تحقیق است. مدنی است. مدنی است. مدنی است.

شود را راهنمای رازدانی کرد که یک‌چهار در نهاد ۱۲ میلیون اند است. مکنونه علیه متهشم شهادت دهد و هد

فاسی است. بر مکمله هم آن چنان شهودی مسلط اقبال این صیغه را خواهد داشت. در اسرع وقت و به

کنفرانس است که قریبترین انسانها علیه آنها که او نسبت داد و داده بخاطر خود است. مدنی است. مدنی است.

آن طبقه بود. وقت و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهودی مسلط اقبال این صیغه را خواهد داشت. این طبقه بود. این طبقه بود. این طبقه بود.

مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در کنفرانس مکملونه با خادم همام است و شهادت‌ها که می‌باشد. این طبقه بود. این طبقه بود.

کامل حق دارد که دعواش برسیله

دادگاه مستقل و لیک طرفی حقوقی ماجده

خط طبلان می‌کنند از درود به علی رسیدگی شدید و پالای متصافه و

و احاطه حق خود را پیغام بهداشت می‌دانند. مشکل جامده

ما در طول تاریخ عواره مربوط

کشکش و عینک قدرت خود را در مسلم حقوقی است. مسلم حقوقی است

دعا و دعوهای می‌دانند. این طبقه بود. این طبقه بود.

وقیکه در گروهی می‌دانند. این طبقه بود.

کامگان و بجهان بوده است. در بین

آنها می‌دانند. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در آن طبقه بود. این طبقه بود.

اداره امور ملک و حصرها انجام داده و مجازات بنا به تشخیص و سلطنه

و غیره اند. و معهود باره معمولی ملت و مکرده دعوای متصافه بین

جهانی متصافه ای از این طبقه بود. این طبقه بود.

که در آن طبقه بود. این طبقه بود.

شکست امام

بهه از صفحه ۲

یک سیاست اتحادیه اسلامی است. این طبقه بود. این طبقه بود.

که در آن طبقه بود. این طبقه بود.

